

شهید علی محمودی




ازبائری
سازمان جامع سوادداری و فرهنگستان بوخار

نام پدر	نجف
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۶/۳۰
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۱/۰۳
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بوشهر

زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه : شهید علی محمودی

شهید در سال ۱۳۴۷ در روستای لاور ساحلی از توابع شهرستان خورموج دیده به جهان گشود وی در خانواده ای زحمتکش و مذهبی پرورش یافت دوران تحصیلات خود را تا سوم راهنمایی ادامه داد وبعد به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام شد و سرانجام در عملیات کربلای ۵ در مورخ ۳/۱۱/۶۵ به درجه رفیع شهادت نائل آمد. /

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد

وصیت نامه

بسمه تعالی

« وصیت نامه شهید علی محمودی »

السلام علیکم ، خدمت خانواده عزیز و گرامی

با سلام به کسی که ما را در راه خویش یاری کرد و هدایت و راهنمایی نمود با سلام به پیشگاه یگانه منجی عالم بشریت قائم آل محمد (ص) مهدی موعود و نائب بر حقش و پیر جماران خمینی اسطوره مقاومت و تقوی و فرمانده کل قوا خمینی روح خدا که تمام عملیات های ما را به یاری خداوند متعال فرماندهی و در این عملیات ها پیروزی و سلام و درود به محضر حضر آیت اله منتظری و به خانواده های ایثارگر که با دادن تمام سرمایه خود که جوانان خویش است در راه خدا و با ریختن خون عزیزانشان آبروی اسلام را خریده اند و مظلومیت اسلام را به یاری خدا با خون خود خریداری و بهشت را به بهای جان خود خریداری کرده و حسین (ع) را یاری کردند.

این جانب بنده حقیر خدا علی محمودی با شناختی که به راه خود و شناختی که به اسلام و مظلومیت اسلام داشته و دارم و با عشق و علاقه ای که به حسین (ع) و فرزندان حسین (خمینی) داشتم پا در این راه که دادن جان و دادن خون ، خود که خود ادامه راه حسین (ع) است انتخاب کرده و مشتاق ادامه راه اوست هستم، آری ما که جان را برای مردن نخواسته بودیم ، ما جان را برای مرگ سرخ میخواستیم و شکر خدای را که لیاقت آمدن و جنگیدن در راه خودش را به ما داد و از او میخواستیم شهیدان تقی بحرانی و عیسی محمودی که سوختند و از سوختن خود روشنائی دادند و دیگر رزمندگان از روشنائی آنها استفاده کرده و بر دشمن حمله ور شده بودن (مرگم نیز آری چنین باشد) و به تما برادران پایگاه مقاومت می گویم که راه تمام شهیدان را ادامه داده و بدهند .

و تو ای مادر از جان عزیزترم مرا ببخش که با تو خدا حافظی نکردم و به اینجا آمدم و از تو خواهش میکنم که مرا ببخشی و بریا من حلالیت خواستار باشی و به تمام برادران سلام میرسانم و برای آنان در ادامه زندگی دعای خیر میکنم و از آنان نیز حلالیت خواهانم و درود خداوند بر خواهرانم که باید تمام راه من را با حجاب خود ادامه دهند و کاری را که زینب کرد (پیام خون) انجام دهند و از تمام خانواده واقوام و دوستان التماس دعا برای امام و رزمندگان پرتوان اسلام دارم و از آنان نیز حلالیت خواهانم و از مادر خوبم میخواهم که یک سال برای من نماز و روزه بجای بیاورد و مقداری نیز پول که آمار آن در دفتر قهوه ای من است به صاحبانش بدهد و وسائلم را برای یادگاری بخصوص عکسهایم را بگذارد و به کسی ندهد که نمیخواهم جایم در خانه خالی باش. از خداوند میخواهم که دلبستگی مرا از این دنیا بگیرد و روز حساب با من مهربان باشد. صبری به تمامی خانواده شهدا عناية فرماید. /

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بنده حقیر و گناهکار خدا، فرزند کوچک شما

علی محمودی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران